

## تحلیل کارکردی مراسم و مناسک دینی

\* علیرضا قبادی

\*\* پروین علی پور

### چکیده

پدیده‌های دینی، به طور طبیعی در دو مقوله‌ی اساسی باورها و اعمال (مراسم و مناسک) طبقه‌بندی می‌شود. باورها شامل معارف و در حوزه فکر و اندیشه است، در حالی که اعمال، شیوه‌ای از کنش اجتماعی و به رفتار مرتبط است. اعمال از باورها مشتق می‌شود و باورها از طریق اعمال از فراموش شدن مصون می‌ماند. در جامعه‌شناسی دین، مطالعه و پژوهش درباره مراسم و مناسک به دلیل پیوند آنها با دیگر عناصر و هنجارهای اجتماعی و نیز ارتباط شان با نهادها و سازمان‌های اجتماعی. اهمیت بیشتری دارد. تمرکز این تحلیل بر تفکیک کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مراسم و مناسک دینی است. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که مراسم و مناسک کارکردهای نمادی، آموزشی، هویتی و تحمل‌پذیری را در بعد فرهنگی و کارکردهای انسجام اجتماعی، تفریح اجتماعی، انتظام‌بخشی و پیوند بین نسلی را در بعد اجتماعی دارد. **واژه‌های کلیدی:** کارکرد، تحلیل کارکردی، کارکردگرایی، مراسم و مناسک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و کارشناس ارشد پژوهش مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران  
[ghobadi1087@gmail.com](mailto:ghobadi1087@gmail.com)

[palipoor@ut.ac.ir](mailto:palipoor@ut.ac.ir)

\*\* کارشناس ارشد پژوهش مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

تاریخ تأیید: ۹۱/۱۲/۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۸

## مقدمه

پدیده‌های دینی به طور طبیعی در دو مقوله‌ی اساسی طبقه‌بندی می‌شود: باورها و اعمال (مراسم و مناسک)<sup>۱</sup>. باورها شامل معارف و در حوزه‌ی فکر و اندیشه است؛ در حالی که اعمال. شیوه‌ای از کنش اجتماعی و به رفتار مرتبط است. اعمال از باورها مشتق می‌شود و باورها از طریق اعمال زنده مانده، از فراموش شدن مصون می‌مانند. هیچ اقدام نیایشی بدون نوعی مفهوم روحانی وجود ندارد. همان طور که هیچ عملکرد دینی بدون حداقلی از بیان نیایشی نمی‌تواند باشد (واخ، ۱۳۸۰؛ ص ۲۱) باورهایی وجود دارد که جز از راه مناسکی که بیانگر آن باورها است، به روشنی آشکار نمی‌شوند. دو جزء مذهبی چنان به هم وابسته‌اند که جدا نمودن آنها در دنیای واقعی امکان‌پذیر نیست (دورکیم،<sup>۲</sup> ۱۳۸۲؛ ص ۴۷) همانطوری که برخی از جامعه‌شناسان نیز به آن اشاره کردند، اگر چه مطالعه جنبه‌های اعتقادی دین تا اندازه‌ای موجه است؛ ولی برای فهم جامعه‌شناختی دین مطالعه شعائر و مناسک از اهمیت ویژه‌ای دارد. رابرتسون اسمیت<sup>۳</sup> معتقد است که عملکردهای مذهبی از باورداشتهای مذهبی اهمیت بیشتری دارد. رادکلیف براون<sup>۴</sup> بر این باور است که برای شناخت دین باید به مناسک دینی توجه کرد (شهبازی، ۱۳۹۰). در جامعه‌شناسی دین، مطالعه و پژوهش درباره مراسم و مناسک به دلیل پیوند آنها با دیگر عناصر و هنجارهای اجتماعی و نیز ارتباطشان با نهادها و سازمان‌های اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. (رک. جلالی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۱-۳۸).

در کشور ما - که زادگاه فرهنگ‌های گوناگون است - مراسم و مناسک از عهد اسطوره‌ای تا دوران میانی تاریخ، به ویژه پس از اسلام با قاعده‌مندی خاصی در حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ما حضور داشته است. اما پس از اسلام، به ویژه بعد از دوران صفویه به دامنه، وسعت، عمومیت و تأثیرگذاری آن در نظام اجتماعی افزوده شده است.

مراسم و مناسک دینی در کشور ما، بخش وسیعی از کنش‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. علاوه بر منسکی، مانند نماز (که در شبانه‌روز سه بار به صورت فردی یا جماعت انجام می‌گیرد) یا روزه (منسکی ادواری که یک‌ماه از طول سال را شامل می‌شود)، مراسم و مناسک دینی و ملی متعدد و فراوانی وجود دارد که سبب اجتماع عظیم ملی و یادآور ارزش‌ها و تقویت پیوندهای ملی در سراسر کشور می‌شود.

برخی از مهم‌ترین این مراسم و مناسک را می‌توان به چند بخش زیر تقسیم کرد:

۱. در فرهنگ معین واژه‌های مناسک، مراسم، آیین، آداب و شعائر این گونه معنا شده است: **مناسک**: جمع منسک، عبادت‌ها، جاهای عبادت (ص ۱۰۳۸)؛ **مراسم**: جمع مرسوم، آداب و آیین‌ها (ص ۹۵۰)؛ **آیین**: رسم، روش، آداب معمول و متداول مرسوم (ص ۲۴)؛ **آداب**: رسوم، عادت، روش‌های پسندیده (ص ۱۰)؛ **شعائر**: جمع شعاره، شعیره، علامت، نشانه‌ها، آداب و رسوم مذهبی یا ملی (ص ۹۱۶). چنانچه ملاحظه می‌شود، واژه‌های مزبور با کمی مسامحه مترادف یکدیگرند. در فرهنگ شفاهی نیز تفاوت چندانی میان این واژه‌ها گذاشته نمی‌شود. این تحقیق به سبب کاربرد علمی دو واژه مراسم و مناسک در ادبیات علمی از آن دو استفاده کرده است که در صفحه ۱۶ به توضیح آنها پرداخته می‌شود. (معین، ۱۳۸۰)

2. Durkheim

3- smith Robertson

4 - Radcliffe-Brown

الف. اعیاد مذهبی و ملی، مانند عید فطر، عید مبعث، عید غدیر، ایام ولادت پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع)؛

ب. سوگواری‌ها که با حزن و اندوه همراه است، مانند ایام رحلت پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) و به ویژه ایام شهادت حسین بن علی(ع)؛

ج. مراسم ملی مانند، روز پیروزی انقلاب اسلامی؛

د. مراسم روز هفتم و چهارم درگذشتگان؛

هـ. مراسم خاص مکان‌های زیارتی.<sup>۱</sup>

کمتر کشوری را می‌توان یافت که این همه تنوع و گستردگی در مراسم و مناسک داشته باشد. اجتماعاتی در سراسر کشور در تمام محله‌های شهری و روستایی با حضور تمام اقشار مردم از همه گروه‌های اجتماعی، اعم از زن و مرد، یکی از جذاب‌ترین آیین‌های ملی است که در برخی از مناسبت‌ها با تعطیلی نیز همراه است. بنابراین، با توجه به علاقه عمومی و پای‌بندی ایرانیان به برپایی رسم‌ها، از یک‌سو و گستردگی و نیز آمیختگی آنها با اسطوره‌ها و آموزه‌های فرهنگی، از سوی دیگر، «شناخت و پژوهش درباره مراسم و مناسک راهی برای شناخت نظام اجتماعی است» (آلمانی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴).

با توجه به اهمیت و نیز تنوع و گستردگی مراسم و مناسک لازم است کارکردهای آن بررسی و تحقیق شود تا با تقویت کارکردهای مثبت، بستر لازم برای توانمندسازی مراسم فراهم شود. در همین راستا، پژوهش حاضر با رویکرد جامعه‌شناختی بررسی کارکردهای مراسم و مناسک خواهد پرداخت.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت مطالعه و پژوهش برخی از موضوع‌ها در بعضی جوامع فقط به سبب ضرورت‌های معرفتی نیست؛ بلکه از یک‌سو به دلیل نقش و جایگاهی است که در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند و از سوی دیگر، اولویت علمی است که دانشمندان برای شناخت سایر پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی قائل هستند. مراسم و مناسک، به عنوان قدیمی‌ترین و عام‌ترین شکل رفتار اجتماعی و وجه مشترک میان فرهنگ‌ها و جوامع چنین ویژگی‌ای دارد. اهمیت و نقش مراسم و مناسک به مناسبات اجتماعی میان مراسم و مناسک دینی و جامعه بستگی دارد.

نقش و جایگاه مراسم و مناسک در نظام سیاسی و اجتماعی جامعه ما نیز بسیار گسترده است. این پدیده در حیات اجتماعی کشور ما، با وجود تغییر و دگرگونی‌هایی که در نظام سیاسی جامعه ما در طول سالیان متمادی به وجود آمده، یکی از عناصر پایدار و مؤثر در حیات اجتماعی بوده است. مراسم و مناسک متناسب

۱- یکی دیگر از مظاهر مراسم و مناسک در کشور ما، اجتماع در مکان‌های زیارتی است که جزء مناسک تقویت به حساب می‌آید هدف از آن نیز تقویت و تحکیم فرآیندهایی است که سبب به پای‌بندی فرد یا جامعه به رشته‌ای از ارزش‌ها و باورداشت می‌شود نمونه و معنوی‌ترین بسیار خوب آن در کشور ما، اجتماعی است که در تمام لحظات سال در بارگاه امام رضا(ع) انجام می‌گیرد. بی‌شک، این مکان پرجاذبه‌ترین مکان برای ایرانیان است (ر.ک. «داورپناه، خرداد ۱۳۸۳، ص ۱۳).

با سور و سوگ در وقایع اجتماعی یکی از اجزای مهم تشکیل‌دهنده تقویم حیات اجتماعی ما و عنصری تأثیرگذار در نظام اجتماعی از روزگاران کهن تا عصر حاضر است. برخی از دلایل اهمیت و ضرورت مراسم و مناسک عبارت است از:

**۱. تنوع و تداول:** ایرانیان از زمان پذیرش اسلام، مناسک دینی، مانند نماز و روزه را انجام می‌دادند و بعدها با پذیرش مذهب شیعه مراسم خاصی را که با اعتقادات شیعی هم‌خوانی داشت، به مجموعه هنجارها، ارزش‌ها، مراسم و مناسک متناسب با آن افزودند. از آن زمان تاکنون این مناسک با دگرگونی که ممکن بود برای هر هنجار یا رفتار فرهنگی اتفاق بیفتد، در فرهنگ ایرانی جریان داشته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. تنوع و تداولو وسعت مراسم و مناسک در نظام فرهنگی ما به اندازه‌ای است که می‌توان گفت کمتر کنشی به اندازه کنش‌های دینی در نظام فرهنگی ما وسعت و تداول دارد.

**۲. پویایی و تأثیرگذاری فرازمانی و فرامکانی مراسم و مناسک:** ویژگی دیگری که مطالعه و بررسی مراسم و مناسک در حیات فرهنگی ایرانیان دارد، تأثیر و نقش فرازمانی و فرامکانی آن است. تأثیرگذاری و هنجارآفرینی مراسم و مناسک، به عنوان واقعیت‌های زنده اجتماعی محدود و متوقف به زمان و مکان خاصی نیست. به عبارت دیگر، آثار فردی و اجتماعی و پای‌بندی‌هایی را که مراسم و مناسک در قالب پاداش و تنبیه برای انسان‌ها آماده می‌کند، برای همه دوره‌های زمانی است. (کل یوم عاشورا و کل الأرض کربلا). تأثیرها و پای‌بندی‌های مراسم و مناسک را می‌توان در دو سطح کنش فردی و جمعی بررسی کرد.

**۳- پیوند و ارتباط مراسم و مناسک دینی با نظام اعتقادات دینی:** در ایمان «ابراهیمی»، دین از دو رکن اساسی باورها و اعمال تشکیل می‌شود. که میان این دو، پیوند و ارتباط تنگاتنگی برقرار شده است؛ چرا که در ایمان ابراهیمی بین جنبه نظری دین و جنبه عملی ارتباط دوسویه ای وجود دارد. انسان دیندار در قلمرو ادیان ابراهیمی، زندگانی پیامبران الهی را نمونه و مصداق آرمان ایمان به شمار می‌آورد و دینداران، آن ایده را به گونه‌ای عینی و ملموس پیگیری می‌کنند. بین اعتقادات دینی و عمل دینی، رابطه‌ای قوی برقرار است. نظام اعتقادات دینی مبنای عمل دینی واقع می‌شود و حتی می‌توان معقولیت نظام اعتقادات دینی را از لحاظ عمل و سلوک دینی ارزیابی کرد. مراسم و مناسک، وسیله‌ای متناسب برای رسیدن به هدف اصلی دین است (نراقی، ۱۳۸۶).

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که بررسی و مطالعه کارکردهای مراسم و مناسک و نیز شناخت شیوه‌های آسیب‌زا بودن آن، از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای دارد.

### ملاحظات نظری

در تبیین پدیده‌های دینی با به کارگیری مدل کارکردی تلاش می‌شود تا کارکردهای اجتماعی دین باز شناخته شده و متناسب با آن، دلایل وجودی این پدیده بیان شود.

گیدنز در تعریف کارکردگرایی می‌نویسد: «دیدگاهی نظری بر پایه این اندیشه که رویدادهای اجتماعی را می‌توان به بهترین وجه برحسب کارکردهایی که انجام می‌دهند - یعنی کمکی که به دوام و بقای جامعه می‌کنند - تبیین کرد» (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۸۰۰).

پارسونز یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان کلاسیک مکتب دورکیم و نیز از نظریه پردازان نوین آن پرداخته خواهد شد است. ابتدا به مواضع نظری دورکیم و سپس به نظریه های پارسونز پرداخته خواهد شد. دورکیم با شناسایی دین به عنوان منشاء اصلی اصول اخلاقی و همبستگی اجتماعی، دین را در حکم یک فرایند دوره‌ای تحلیل می‌کند. افراد با دنبال کردن زندگی غیر مذهبی باعث تضعیف احساس های مذهبی می‌شوند و با توجه به اینکه بازسازی ادواری در دین صورت نمی‌گیرد، این‌گونه احساس‌ها به تدریج از بین می‌رود. نمادهای دینی، باورها و تعهدهای افراد را به آنها یادآوری می‌کند و به این ترتیب، افراد برای اجرای آیین‌های مذهبی گردهم می‌آیند. در طول این مراسم که میزان تعامل در آن زیاد بوده و در کانون توجه همگانی قرار دارد، شرکت‌کنندگان به طور جمعی، درگیر رفتارهای آیینی می‌شوند که نمادی از باورهای دینی آنهاست. این تصریح همگانی باعث فرار گرفتن باورها در بخش مقدم آگاهی شده؛ از این رو، باورهای دینی تقویت می‌شود. همچنین آیین‌های جمعی سبب به وجود آمدن احساس های پرشور و شدید می‌شود که این احساس‌ها با پیوند خوردن به افراد شرکت‌کننده در این مراسم باعث تقویت آنان می‌شود، و نیز شرکت‌کنندگان را به یکدیگر پیوند می‌دهد به این ترتیب آیین‌های دینی با تقویت باورهای جمعی و اخلاقیات و نیز با پیوند شرکت‌کنندگان به یکدیگر، باعث همبستگی جامعه می‌شود. از این رو، کارکرد دین در جامعه، یکپارچه کردن و انسجام آن است.

به اعتقاد دورکیم، دین نظامی از تقویت متقابل باورها، آیین‌ها (رفتار) و نمادها (که در برگزیده خود آیین‌ها و اشیاء می‌شود) است. باورها با دلیل نشان دادن وظایف و مسئولیت‌های افراد به آنها سبب به وجود آمدن آیین‌ها می‌شود. آیین‌ها در حکم اجرای (نماد) فیزیکی قابل مشاهده است و باورها را تقویت می‌کند. آنچه با توجه به گستره‌ی باورها اهمیت دارد، خود باورهاست که باعث می‌شود افراد معتقد آیین‌ها را اجرا کرده و به این ترتیب، باورها و احساس‌های جمعی (که باعث همبستگی اجتماعی می‌شوند) را تقویت کند. اشیاء و موضوع‌های نمادین. اهمیت زیادی دارد؛ چون با وجود آنکه جامعه نمی‌تواند به طور پیوسته برای اجرای آیین‌ها گردهم آید، اما اشیاء و موضوع‌ها می‌توانند در حکم یادآوری کننده باورها و تعهدهای دینی عمل کنند (استونز، ۱۳۷۹، ص ۸۵).

در بحث درباره نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز، ابتدا چهار تکلیف کارکردی مشهورش بیان می‌شود. به اعتقاد پارسونز، یک کارکرد، مجموعه فعالیت‌هایی است که برای همه‌ی نظام‌ها ضرورت دارد (یا ویژگی-های آنها است) و تطبیق؛ دستیابی به هدف؛ یکپارچگی؛ سکون یا نگهداشت الگو. هر نظامی برای زنده ماندن باید این چهار کارکرد را انجام دهد این کارکردها عبارت است از:

۱. تطبیق: هر نظامی باید خودش را با موقعیتی در آن قرار گرفته که تطبیق دهد یعنی باید خودش را با محیطش تطبیق دهد و محیط را نیز با نیازهایش سازگار کند.
۲. دستیابی به هدف: یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آنها دست یابد.

۳. **یکپارچگی:** هر نظامی باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند و نیز به رابطه میان چهار تکلیف کارکردی‌اش نظم دهد.

۴. **سکون یا نگهداشت الگو:** هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند. (ریتزر، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱).

پارسونز چهار نظام کنش اجتماعی را مطرح می‌کند: نظام کنش ارگانیک، زیست‌شناختی، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی. او به عنوان یک کارکردگرای ساختاری، در جامعه چهار ساختار یا خرده نظام را بر اساس کارکردهایی (چهار کارکرد فوق‌الذکر) که انجام می‌دهند، تشخیص می‌دهد. اقتصاد، خرده نظامی است که کارکرد تطبیق با محیط را از طریق کار، تولید و تخصیص برای جامعه انجام می‌دهد. اقتصاد به این سبب محیط را با نیازهای جامعه تطبیق می‌دهد علاوه بر این به جامعه کمک می‌کند تا خود را با این واقعیت‌های بیرونی سازگار کند. سیاست یا نظام سیاسی، کارکرد دستیابی به هدف را از راه پیگیری هدف-های اجتماعی و بسیج کنشگران و منابع در جهت این هدف، انجام می‌دهد. نظام اعتقادی، کارکرد سکون را به سبب انتقال فرهنگ (هنجارها و ارزش‌ها) به کنشگران (برای مثال، در مدرسه و خانواده) انجام می‌دهد و به این ترتیب، فرهنگ را ملکه ذهن آنها می‌کند. سرانجام اینکه کارکرد یکپارچگی را عرف اجتماعی (برای مثال، قوانین) انجام می‌دهد و همین عرف است که عناصر سازنده جامعه را هماهنگ می‌کند.

بیان این نکته بسیار مهم است که جامعه ایران یک جامعه دینی است و دین نقش مهم و بسزایی در همه ارکان نظام اجتماعی آن دارد؛ بنابراین، دین در ایران می‌تواند تمام چهار کرد بالا را به نوعی داشته باشد و چون مراسم و مناسک از مؤلفه‌های اساسی و بخش مهم دین است، نیز این کارکردهای را می‌تواند داشته باشد.

**جمع‌بندی نظریه‌ها:** کارکردگرایان، جامعه را شبکه سازمان یافته‌ای از گروه‌های در حال تعاون و همکاری تصور می‌کنند که اعضای آن از قوانین و ارزش‌های مشترکی پیروی می‌کنند. آنان جامعه را به صورت کل مرکب از اجزاء می‌دانند که در بقای آن، همه اجزاء نقش دارند. اگر چه ممکن است هم اجزاء و هم کل تغییر کند؛ اما به طور عموماً، تغییر تدریجی است و پس از تغییر جامعه دوباره به حالت تعادل برمی‌گردد. جامعه-شناسان در مطالعه جامعه‌شناختی با رویکرد کارکردگرایی درصددند که ماهیت درهم تنیده یک نظام اجتماعی را در کلیت آن بفهمند. بنابراین، با حفظ پیوستگی کلیت اجزاء و عناصر به دنبال بررسی یک فعالیت اجتماعی هستند که سبب سازگاری اجزای گوناگون ساختار می‌شود. بنیان تحلیل کارکردی بر این واقعیت استوار است که همه سنن، مناسبات و نهادهای اجتماعی به کار یا وظیفه‌ای بستگی دارد که در نظام اجتماعی به عهده دارند. کارکرد اجتماعی به دنبال آن است که مشخص کند چه نیازی را یک ساختار معین برای یک نظام گسترده‌تر برآورده می‌کند. برای فهم کارکرد باید اثر و نتیجه پدیده را به صورت معلول بررسی کرد؛ برای مثال، آیین‌های دینی سبب انسجام اجتماعی می‌شود؛ پس اثر آیین‌های جمعی، مذهبی انسجام اجتماعی است. بنابراین کار ویژه هر عمل اثر آن است (شهبازی، ۱۳۹۰). مقاله حاضر در پاسخ به

پرسش‌های، تحقیق علاوه بر به کار بردن اصول اساسی مکتب کارکردگرایی از دیدگاه دورکیم و پارسونز، به تحلیل کارکردی مراسم و مناسک پرداخته است.

**روش تحلیل:** به اقتضای موضوع، روش این تحقیق روش کارکردی است. تحلیل کارکردی آشکار می‌کند که چه تأثیرهایی یک مورد اجتماعی خاص مورد بررسی بر عملکرد نظام کلی یا اجزای سازنده آن می‌گذارد (کوزر، ۱۳۷۳، ص ۲۰۲). هدف تحلیل کارکردی نشان دادن خدمت خاص هر نهاد یا عمل، در کل نظام اجتماعی یا فرهنگی است (فصیحی، ۱۳۸۹، ص ۲۰). در تحلیل‌های کارکردگرایی (به‌ویژه در تحلیل نهادها) باید به سطوح گوناگون تحلیل کارکردگرایی توجه کرد. این‌گونه تحلیل، در پایین‌ترین سطح با نقش فرد سروکار دارد. در اینجا پیش این است که نقش‌هایی که افراد بازی می‌کنند. چه کارکردی دارد؟ در سطحی بالاتر، پرسش این است که کارکرد یک نهاد در جامعه چیست؟ پرسش اول درباره اثر یک نقش بر محیط اجتماعی ساخت‌دار و در پرسش دوم درباره تأثیر یک نهاد بر محیط نهادی ساخت‌دار خود است. اگر چه می‌توان به هر دو پرسش یک پاسخ کارکردی داد؛ لیکن ماهیت آنها، کاملاً متفاوت است. در پیرامون اول، نقش (دقیقاً نقش، نه عامل) و در سطح دوم، نهاد مطرح است. یک نهاد ممکن است که آمیزه‌ای از فعالیت نقش-های شخصی به نظر برسد؛ اما در سطح نهادی تحلیل، به اثر جمعی همه این کنش‌های شخصی با هم توجه می‌شود. در چنین سطحی، رفتارهای افراد به طور معمول نادیده گرفته می‌شود؛ در حالی که رفتار کل نهاد بررسی خواهد شد. (اسیکدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶).

### تحلیل کارکردهای اجتماعی مراسم و مناسک دینی

با استناد به مکتب کارکردگرایی و با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناختی دورکیم و پارسونز، مراسم و مناسک دینی، از یک‌سو عنصری از نظام فرهنگی است که در تأمین کارکردهای نظام فرهنگی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند و از سوی دیگر، عنصری از نظام اجتماعی است که در تأمین کارکرد یکپارچگی و انسجام جامعه نقش اساسی وارد می‌کند.

### الف کارکردهای فرهنگی مراسم و مناسک دینی

#### ۱. کارکرد نمادین

فرهنگ، نظام الگودار و سامان‌مندی از نمادهاست که اهداف و جهت‌گیری کنشگران را مشخص می‌کند و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را شکل می‌دهد. نظام فرهنگی، بسیار نمادین و ذهنی است و به آسانی از یک نظام اجتماعی به نظام دیگر انتقال می‌یابد و عناصر نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. همین ویژگی، سبب نظارت بر نظام‌های دیگر می‌شود و از آنجا که نظام فرهنگی با یک نظام اخلاقی ارائه می‌شود، شگردهای یکپارچه‌کننده و حاکم بر دیگر نظام‌های کنش هم به حساب می‌آید (ریترز: ۱۳۷۹، ص ۱۳۸).

نماد مانند زبان، ابزار ارتباطی است و معانی اجتماعی را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده، زمینه‌های مناسب را برای انتقال و تداوم ارزش‌ها و باورداشت در فرهنگ به وجود می‌آورد. بر اساس نمادگرایی است که

می‌توان یافته‌ها و دانسته‌های خود را حفظ و جاودانه کرد و برای نسل‌های آینده به ارمغان گذاشت. نمادها در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی حضور دارد. یکی از آشکارترین این عرصه، مراسم و مناسک دینی است (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۳۴). سرشت نمادین مراسم، حتی در تعریف مراسم نیز آمده است (گولد، ۱۳۷۶، ص ۷۶۷)، گونه‌ای که همیلتون، دین را مجموعه‌ای از نمادهای مقدس می‌داند. نمادهای مقدس در ایجاد تصویر آدمی از جهان و مرتبط کردن آن با روحیه‌های انسان‌ها، نقش مهمی بر عهده دارد. این نمادها میان سبک معینی از زندگی و یک نوع مابعدالطبیعه خاص هم‌خوانی اساسی برقرار می‌کند. (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

مراسم و مناسک، به عنوان عناصر سیال فرهنگ نشانه‌های نمادین فراوانی دارد که به تبع کیفیت خود، با همه اجزای مجموعه در تماس است و فرهنگ جامعه را استحکام می‌بخشد (میرشکرایبی، ۱۳۷۸، ص ۱۱-۱۰).

نشانه‌های نمادین موجود در مراسم و مناسک دینی، طیف وسیعی از ساده تا پیچیده را در برمی‌گیرد و بیشتر با هاله‌ای از تقدس و احترام همراه است. این نشانه‌ها در افزایش خودآگاهی، به عنوان اصلی‌ترین عناصر فرهنگی در کل جامعه نقش به‌سزایی ایفا می‌کند.

به تعبیر دورکیم، نمادها بخش کامل و مکمل اجتماع‌ها و تظاهرات جمعی است که نمی‌گذارد اجتماع‌ها به صورت خاموش و ناپایدار باشد. همین نمادها است که اجتماع دوباره را امکان‌پذیر می‌کند. بدون نمادها، احساس‌های اجتماعی یک هستی ناپایدار را شکل داده و جاودانگی خود را از دست می‌دهد (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۳۲۵).

از سوی دیگر از آن‌جا که در مراسم و مناسک کشور ما، نمادها شخصیت‌های واقعی و نه اسطوره‌ای است؛ از این رو، با ارزش‌های جامعه ارتباط دارد. این نمادها معیار بایدها و نبایدها را تعیین کرده و، به عنوان مرجع حق و باطل و راهنمای رفتار اجتماعی در حیات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. وجود این نمادها در مراسم و مناسک دینی، عنصری مهم برای حفظ، تجدید، احیاء و جاودانه کردن الگوهای فرهنگی از نسلی به نسل دیگر بوده، کارکرد مؤثری در آماده کردن کنشگران به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی دارد. همچنین به عنوان یک جریان فرهنگی از نظامی به نظام دیگر و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود و مظهر خودآگاهی در حیات اجتماعی است.

## ۲. کارکرد آموزش

کارکرد آموزشی مراسم و مناسک در نظام فرهنگی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای این نظام به حساب می‌آید. فرهنگ به وسیله فراگیری و اجتماعی شدن از یک نظام شخصیتی به نظام شخصیتی دیگر منتقل می‌شود (ریتز، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹). اجتماعی شدن، فرآیندی است که در آن فرد می‌آموزد که از راه فراگرفتن رفتار اجتماعی، مورد تأیید گروه باشد و خود را با آن گروه انطباق دهد (گولد، ۱۳۷۶، ص ۲۹). از سوی دیگر، هر جامعه‌ای برای بقای خود به اجتماعی کردن اعضایش نیاز دارد و (ریتز، ۱۳۷۹، ص ۳۰).

هر جامعه با آموزش‌های رسمی و غیر رسمی نسبت به آموزش و انتقال الگوهای فرهنگی اقدام می‌کند. مراسم و مناسک در کشور ما، یکی از مجاری آموزش غیر رسمی است که وظیفه اجرایی کردن تعالیم و



باورهای دینی و اخلاقی و بخش بزرگی از نظام ارزشی جامعه را به عهده دارد. انسان‌ها، نه تنها بخش عمده‌ای از محتوای شناختشان را مدیون دین هستند؛ بلکه روشی را که سبب بسط و گسترش این شناخت می‌شود، نیز از دین فرا می‌گیرند (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

مراسم و مناسک، شیوه‌ای از آموختن و اجتماعی کردن را برای اعضای جامعه فراهم می‌کند که با باورها و ارزش‌های اساسی فرهنگ مرتبط بوده، به لحاظ شمول جمعیت بخش بزرگی از جمعیت جامعه، اعم از زن مرد، پیر و جوان و حتی کودکان را پوشش می‌دهد. افراد جامعه ما (که شیعه‌مذهب هستند) فرصت زیادی را صرف امور دینی می‌کنند. شرکت در مراسم عزاداری‌ها و اعیاد، وسیله‌ای است که در آن باورها و ارزش‌های دینی آموزش داده می‌شود (صدیق اورعی، بی تا ۷۹).

تنوع مراسم و مناسک، از یک سو و نداشتن هیچ پیش‌شرطی برای شرکت در مراسم، از سوی دیگر، سبب حضور گسترده افراد در مراسم، اعم از زن و مرد، پیر و جوان و خردسال، بی سواد و کم‌سواد را می‌شود. بخش بزرگی از آموزش‌های دینی و فرهنگی، به سبب مراسم و مناسک فرا گرفته می‌شود. مراسم و مناسک، مانند مدرسه و دانشگاهی برای حفظ و حراست از الگوهای فرهنگی عمل می‌کند. به تعبیر امام خمینی (ره) در حقیقت، این مجالس آموزگاه‌ها و دانشگاه‌های شماس است که به بهترین روش و زیباترین شیوه، مردم را به سوی دین می‌خواند (ربانی خلخالی، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۱). علاوه بر اینکه، فراگیری و آموزش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی نقش پیش‌گیرانه‌ای نیز در برای حفظ و صیانت نظام فرهنگی دارد (سراج‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

در جامعه ما، انواع مراسم و مناسک که در اعیاد و عزاداری‌ها به ویژه ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود، فرصت بسیار مناسبی برای آماده کردن کنشگران به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی فراهم می‌کند.

### ۳. کارکرد هویتی

مانوئل کاستلز، هویت را روند ساخته شدن معنا بر اساس یک ویژگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی تعریف می‌کند که بر منابع معنا دیگر برتری دارند در نتیجه معنا ساز بودن هویت، بر ساخته بودن آن دلالت می‌کند به این معنا که چیزی طبیعی، ذاتی و از پیش موجود نیست؛ بلکه همیشه در حال ساخته شدن است، هویت‌ها همواره تولید و باز تولید می‌شود (سازمان ملی جوانان معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۱). برخی از سنت‌ها و آداب و رسوم (که برگزاری مراسم نیز جزئی از سنت‌هاست)، نه تنها به عنوان هویت فرد، گروه؛ بلکه هویت یک جامعه را شکل می‌دهد و جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کند، به طوری که با حذف این سنت‌ها و آداب و رسوم، روش زندگی افراد جامعه نیز تغییر خواهد کرد (عسگری خانقاه، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

مراسمی مانند عاشورا، هویت ایرانی را شکل می‌دهد. ما در بیشتر این سنت‌ها ما با اجتماعی از افراد روبه‌رو می‌شویم. این اجتماع‌های مناسکی، مکان‌های امنی برای ابراز هویت جمعی فرد به حساب می‌آید و اعضای این گونه اجتماع‌ها به اشکال گوناگون درصدد شناسایی فرد به دیگران برمی‌آید و خیلی از افراد به وسیله

پیوستن به این گونه اجتماع‌ها هویت از دست‌رفته خود را باز یافته و از انزوای اجتماعی خارج می‌شوند (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۲)

مراسم و مناسک موجود با توجه به قدمت تاریخی آن در بسیاری از آشوب‌های اجتماعی در این سرزمین و کم‌رنگ شدن ارتباط بین نسل‌ها، از عناصر مهم هویت ایرانی و اسلامی است. سنت‌های دیرپا و ماندگار با وجود تنوع و نمودهای محلی سبب می‌شود که ملت خویشتن خویش را از یاد نبرد، هویتش را از دست ندهد و عامل مهمی در تشکیل هویت و ملیت ایرانیان باشد (ورجاوند، ۱۳۷۵، ص ۶۵-۵۵).

مراسم دینی از سنت‌های اجتماعی به جای مانده از دوران گذشته است که با وجود همه حوادث و دگرگونی‌هایی که در کشور حاصل شده، توانسته الگوها، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی را در خود نگه دارد و به اقتضای شرایط به کنشگران منتقل کرده، هویت از دست رفته را باز یابد. مراسم جزء کهن‌ترین یادگارهای فرهنگی در کشور است که به صورت منحصر به فردی حفظ شده است. مراسم اعضای جامعه را همانند ساخته، آنها را از سایرین متمایز می‌کند؛ پس یکی از عناصر مهم هویت‌ساز و شناخت خود از دیگری است و چنان که در تعریف آمده، «مراسم بیان ماندگاری، انتقال نظام احساس‌ها و ارزش‌هاست.» (گولد، ۱۳۷۶، ص ۷۶۷).

به سبب کارکرد هویت مراسم دینی است که انسجام و پیوند تاریخی میان انسان‌های جامعه حفظ شده است. مراسم مانعی در رها شدن فرد در یک فضای خالی است و نقطه اتکای مناسبی در بحبوحه ایام و ناسازگاری‌های جامعه برای انسان به حساب می‌آید و به انسان در شناخت خودش کمک کرده، باعث می‌شود که احساس هویت کند (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۱۰). این احساس هویت سبب حفظ الگوهای ارزشی در نظام فرهنگی شده، عنصر مهمی در خودآگاهی و آگاهی‌بخشی به افراد جامعه می‌شود.

#### ۴. کارکرد تحمل‌پذیری

در مکتب کارکردگرایی ساختاری، اجزای نظام و نیز کل نظام در یک حالت توازن در نظر گرفته می‌شود. دگرگونی‌ها به شیوه‌ای سامان‌مند رخ می‌دهد و درونی و بیرونی با محیط تطبیق پیدا می‌کند. جامعه برای بقای خود باید بتواند روش‌های مناسبی برای دگرگونی‌ها و تغییر ما برگزیند و خودش را با موقعیت قرار گرفته در آن، تطبیق دهد. در این دیدگاه، جامعه لزوماً ایستا نیست؛ بلکه دگرگونی‌ها را به شیوه سامان‌مند و نه انقلابی پشت‌سر می‌گذارد. (ریترز، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱-۱۳۲)

تنوع مراسم و مناسک کارکردهای گوناگون و متنوعی را برای نظام فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده است؛ از جمله این کارکردها، تحمل‌پذیر ساختن مصیبت‌ها، التیام بخشیدن به رنج‌ها و مصیبت‌های اجتماعی است. مراسم و مناسک به شیوه‌ای سامان‌مند نسبت به بر طرف کردن یا کاهش رنج‌ها و مصیبت‌ها اقدام می‌کند. هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که مصون از بلاهای طبیعی و غیر طبیعی باشد. از جمله پدیده‌هایی که در همه جوامع و برای همه بشر رخ می‌دهد، مرگ است. «مرگ، روابط را از هم می‌گسلد، الگوی معمول زندگی آدمی را در هم شکسته و بنیادهای اخلاقی جامعه را به لرزه در می‌آورد» (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۸۷).

هر نظام فرهنگی با توجه به ارزش‌هایی که بر آن استوار است، در توجیه‌پذیر کردن و التیام بخشیدن این رنج‌ها و مصیبت‌ها، دستورالعمل‌های خاص خود را دارد. این بازسازی و جبران به وسیله برگزاری مراسم و مناسک انجام می‌گیرد (احمدی ملکی، ۱۳۷۷، ص ۱).

کارکرد این گونه آداب، تشدید و افزایش انسجام اجتماعی و کاهش تنش و در نهایت، خنثی کردن بحران‌ها است. (گولد، ۱۳۷۶، ص ۷۶۸).

کارکرد تسلی‌بخشی مراسم ختم که در فوت درگذشتگان برگزاری می‌شود، نمونه و مصداقی از این التیام و کاهش رنج در جامعه ماست. مراسم که در اینجا با واژه عزا همراه است، خود نشانگر تسلی‌بخشی آن است. واژه عزا، اسم مصدر تعزیه و در لغت، به معنای صبر یا حسن صبر، شکیبایی و یا خوبی شکیبایی انسان معنا شده است (دهخدا، ۱۳۴۱، ص ۲۱۷).

برگزاری مراسم ختم که به همراه جلسه‌های سخنرانی است، با به‌کارگیری آموزه‌های فرهنگی، با استفاده از آیات و روایات و نیز معرفی شخصیت‌های دینی - که اسوه‌های صبر، مقاومت و نماد ایستادگی در مقابل مشکلات و سختی‌های روزگار هستند - یکی از بهترین شیوه‌هایی است که جامعه‌ی ما در برابر مرگ برگزیده است. سنت‌های مذهبی جهان این قضیه را تأیید می‌کند که زندگی مستلزم رنج است و حتی آن را عزیز می‌داند. دین به وسیله قرار دادن رنج در یک زمینه معنادار سبب بهبود رنج آدمی می‌شود. در واقع، توانایی انسان در فهم رنج به معنای توانایی پذیرش و تحمل آن است (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷). این مراسم فرد را قانع می‌کند که به شیوه خاصی رفتار کرده، از بعضی شیوه‌های عمل دوری کند. عواطف مخرب را به مسیرهای سازنده سوق داده، تعادل را کم و بیش به زندگی آدمی بر می‌گرداند (همان، ص ۱۷).

برای مثال، تأثیر توصیه‌هایی که به صبر در مصیبت در آیات و روایات آمده و در مراسم و مناسک دینی به آن یادآوری می‌شود، سبب می‌شود که انسان را از اقدام عجولانه و نامعتدل باز می‌دارد، او را به تعقل و تأمل می‌کشانند نیز باعث می‌شود تا از بسیاری از اقدام‌هایی پیش‌گیری کند. که ممکن است ضررهای جسمی و روحی جبران‌ناپذیری بر آدمی وارد کند. انسان مصیبت‌دیده اگر با بینش الهی به سختی‌ها و ناملایمات بنگرد، سختی‌های دنیا زمینه‌ی رشد و کمال وی می‌شود. بنابراین، مراسم هم در مهار و کنترل آسیب‌های روانی فرد را یاری کرده، هم به فرد قدرت تحمل‌پذیری می‌دهد. به سبب چنین کارکردی است که این مراسم در سالیان متمدادی به حیات خود ادامه داده است.

برگزاری این مراسم در افزایش آگاهی، به عنوان اصلی‌ترین عنصر فرهنگی، کاهش احساس‌ها و بازگرداندن فرد مصیبت‌دیده به مسیر طبیعی و معقول، با توجه به ارزش‌ها و باورهای فرهنگی بسیار مؤثر است.

### ب. کارکرد اجتماعی مراسم و مناسک دینی

منظور از کارکردهای اجتماعی مراسم، کارکردهایی است که سبب هماهنگی و اتحاد اجتماعی می‌شود. مراسم دینی، کارکردهای اجتماعی ذیل را دارد:

### ۱. کارکرد انسجام اجتماعی

شاید هیچ کارکردی برای مراسم و مناسک دینی، مانند کارکرد انسجام اجتماعی مورد توافق و اجماع جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نباشد. هر جامعه برای بقا و تداوم خویش نیازمند انسجام اجتماعی است و باورها و اعمال مذهبی، یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام اجتماعی در جوامع است.

به تعبیر دورکیم، هر اندازه که مناسک مذهبی کم‌اهمیت باشد، می‌تواند جمع را به تحرک وا دارد و گروه‌های اجتماعی را مجتمع کند. از این رو، نخستین اثرشان مرتبط ساختن افراد، افزایش تماس میان آنها و صمیمیت بخشیدن در بین آنهاست (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۴۸۶).

تعدد و تنوع مراسم و مناسک در جامعه ما سبب شده که بخش مهمی از انرژی عاطفی جامعه به سبب اجتماع‌های مناسکی و مراسمی تأمین شود. عاطفه، دوستی، محبت، اعتماد و برادری، گوناگون به منزله سیمان اجتماعی باعث استحکام، انسجام و هم‌بستگی روابط در بین واحدهای جامعه شده مانع فرو ریختن آن می‌شود؛ اما نبود آنها هم‌بستگی اجتماعی را شکننده می‌کند. (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۲).

به عبارت دیگر، در عرصه مذهب، درونی‌ترین عناصر وحدت ملی وجود دارد که جهان‌بینی و هستی‌شناختی یک ملیت را معرفی می‌کند. اصول و قواعدی که در مراسم و مناسک سبب وفاق می‌شود، جوهر روح و فرهنگ ایرانی است. این ارزش‌ها با ارزش‌هایی که در متن اسطوره‌های ایرانی است، هم‌خوانی داشته، به عنوان عاملی در وحدت ملی به حساب می‌آید (حسین‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۱-۳۵).

مراسم و مناسک، به عنوان ساختارهای پهن‌دامنه اجتماعی در فواصل زمانی معین و منظم، ارتباط گسیخته‌شده اجتماعی را بازسازی می‌کند و علاوه بر اینکه حضور فرد بر جامعه را نشان می‌دهد، باعث برقراری روابط عاطفی مثبت اجتماعی می‌شود. همچنین مراسم، اعتقادات، باورها، گرایش‌ها و رفتارهای مشترک و توافق‌یافته را میان کنشگران تعمیم می‌دهد. مراسم و مناسک با ویژگی تقدس و الزام‌آوری که برای کنشگران ایجاد می‌کند، آنها را در اجتماع‌هایی همچون هیئت‌های مذهبی، مساجد، تکایا و مکان‌های مذهبی دیگر مجتمع می‌کند؛ تأثیر محرم در ایجاد انسجام و هم‌بستگی اجتماعی. مراسم ماه محرم در مناطق گوناگون، سبب انسجام محله، روستا و شهر می‌شود. همین کارکرد بود که در جریان انقلاب اسلامی ایران، بعد کارآمد و فراگیری ملی پیدا کرد. نتیجه همه این رسوم و سنت‌ها و بسیاری از رسوم و سنت‌های دیگر، یکی شدن و هم‌بستگی مردمی است و نیز از خود جدا شدن و در جمع حل شدن است که مفهوم اساسی هم‌بستگی و یگانگی است. (افروغ، ۱۳۷۸، ص ۱).

آنچه سبب انسجام و پیوستگی اجتماع دینی می‌شود، نه عامل قبیله‌ای یا خونی؛ بلکه عامل دینی است که به عنوان یکی از قوی‌ترین عوامل انسجام اجتماعی است. افرادی که در این مراسم شرکت می‌کنند، در مقایسه با دیگر افراد جامعه، زمینه‌های بهتری در هم‌سویی فرهنگی می‌یابند. آنها اشتراک بیشتری در مفاهیم، نمادها و علائق دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸، ص ۶۵-۷۹).

این انسجام، نه فقط سبب وحدت انسان‌های یک عصر؛ بلکه باعث پیوستگی پیوند تاریخی افراد جامعه می‌شود.

بنابراین، مراسم و مناسک دینی، یکی از عناصر مهم حفظ شالوده و اساس جامعه است و انسجام اجتماعی در جامعه به میزان زیادی به وسیله مراسم و مناسک دینی تأمین می‌شود.

## ۲. کارکرد تجدید حیات اجتماعی

از دیدگاه کارکردگراها، یکی از دلایل اهمیت مراسم و مناسک در نظام اجتماعی، تجدید حیات فکری و روحانی است که با شرکت در مراسم و مناسک برای کنشگران به دست می‌آید و تعارض ما و خلأهای عاطفی کنشگران را جبران می‌کند.

امروزه خیلی از کمبودها و نارسایی‌های عاطفی به وسیله عضویت کنشگران در اجتماع‌های مناسکی، مانند شرکت در هیئت‌ها و دسته‌جات مذهبی جبران می‌شود. برای مثال بخشی از کمبود عاطفی در محیط خانواده و مدرسه و کار به وسیله پیوستن به اجتماع‌های مناسکی تأمین می‌شود؛ خیلی از تلاطم‌ها و ناآرامی‌های روحی و روانی افراد در محیط جامعه با ملحق شدن به اجتماع‌های دینی به آرامش تبدیل می‌شود. شرکت کردن در این اجتماع‌ها فرصتی برای تأمین نیازهای عاطفی افراد به حساب می‌آید (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۲). بسیاری از جشن‌های مذهبی، شادی‌آفرین است (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۵۱۹).

ایام و مناسبت‌های فراوانی در مراسم دینی وجود دارد که سراسر با شادی و سرور همراه است، مانند مراسمی که در مناسبت‌های ولادت و اعیاد مذهبی برگزار می‌شود. علاوه بر اینکه تفریح (تجدید حیات) اجتماعی در مراسم عزاداری‌ها نیز اتفاق می‌افتد. کنشگران با اعمالی که در مراسم عزاداری انجام می‌دهند، نیز نوعی احساس تطهیر، کامیابی و نشاط روحی می‌کنند. گریه‌ها و ناله‌ها در مراسم، ناامیدکننده نیست؛ بلکه حرکت‌آفرین است (قبادی، ۱۳۸۱، ص ۸۲).

به تعبیر دورکیم، نقش این نوع از مراسم آسودگی و دوری از اشتغالات و دلواپسی‌های جاری است. (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۵۳۲).

بنابراین، شرکت در این مراسم برای کنشگران، نشاط‌آور، تکاپوبخش، انرژی‌زا و عامل تخلیه هیجان‌های منفی است. هرگز گریه و ناله‌ها در این گونه مراسم‌ها، کسل‌کننده و ناامیدکننده نخواهد بود. مراسم و مناسک با چنین کارکردی، عنصر مهمی در انسجام و نیز سرزندگی و نشاط در نظام اجتماعی می‌شود.

## ۳. کارکرد انتظام‌بخشی

برقراری نظم و ایجاد تعادل، یکی از اساسی‌ترین نیازهای هر نظام اجتماعی است، به ویژه در مکتب کارکردگرایی ساختاری، اساس نظام اجتماعی به وسیله نظم‌ی تداوم می‌یابد که سبب انسجام و هم‌بستگی می‌شود کنش بدون نظم هرگز قادر به تداوم حیات نیست و مسئله‌ی نظم در نظام اجتماعی است که از جنگ اجتماعی همه علیه همه جلوگیری می‌کند (ریترز، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳).

مراسم و مناسک، از جمله عناصر نظام‌دهنده و نظم‌آفرین در نظام اجتماعی است. تکرار، ثبوت شکل، وقت معین و اعمال مشخص از اجزای انتظام‌بخشی رفتارهای اجتماعی است. مراسم و مناسک با توجه به تقدسی

که در رفتار اجتماعی ایجاد می‌کند، به نظم اجتماعی مشروعیت می‌دهد و ساخت‌های شکننده و گذاری ناشی از فعالیت بشری را از حالت بی‌ثباتی به وضعیت ثبات تبدیل می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۸۱). اعتقادات مشترک، سنن مشترک و آرمان‌های جمعی سرچشمه گرفته شود از مراسم و مناسک، ایجادکننده نظم اجتماعی است (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۴۸۷). مراسم و مناسک، از دو راه سبب نظم اجتماعی می‌شوند؛ از یک سو بیانگر الگوهای رفتاری است و از سوی دیگر، نقش آمرانه دارد. مراسم و مناسک، به عنوان راهنمای عمل کنشگران است. شرکت‌کنندگان، رفتارها، ارزیابی‌ها و جهت‌گیری‌های خود را متناسب با شخصیت‌های مراسم (که به عنوان گروه مرجع بر می‌گزینند)، تنظیم می‌کنند. شخصیت‌هایی که مراسم و مناسک در یاد و بزرگداشت آنها برگزار می‌شود، معیار داوری و ارزیابی کنشگران قرار می‌گیرد. شخصیت‌ها، از یک سو سبب اتصال ارزش‌ها، باورها و هنجارهای کنشگران با یکدیگر می‌شوند و از سوی دیگر، استانداردها و معیارها را در اختیار کنشگران قرار می‌دهند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱).

همچنین قدرت کنترل و الزام‌آوری (که در ذات اعمال دینی است) و اقناع (که با دگرگون‌سازی جهان‌بینی افراد صورت می‌گیرد)، ارزش‌هایی را به کنشگران معرفی می‌کند که سبب صیانت و حفاظت و در نهایت، نظم مشخصی در رفتارهای کنشگران می‌شود (قبادی، ۱۳۸۵، ص ۹۴). مراسم و مناسک دینی با داشتن چنین ظرفیت‌هایی است که نظام‌دهنده رفتارهای کنشگران درون نظام اجتماعی است و به این اساس تداوم نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند.

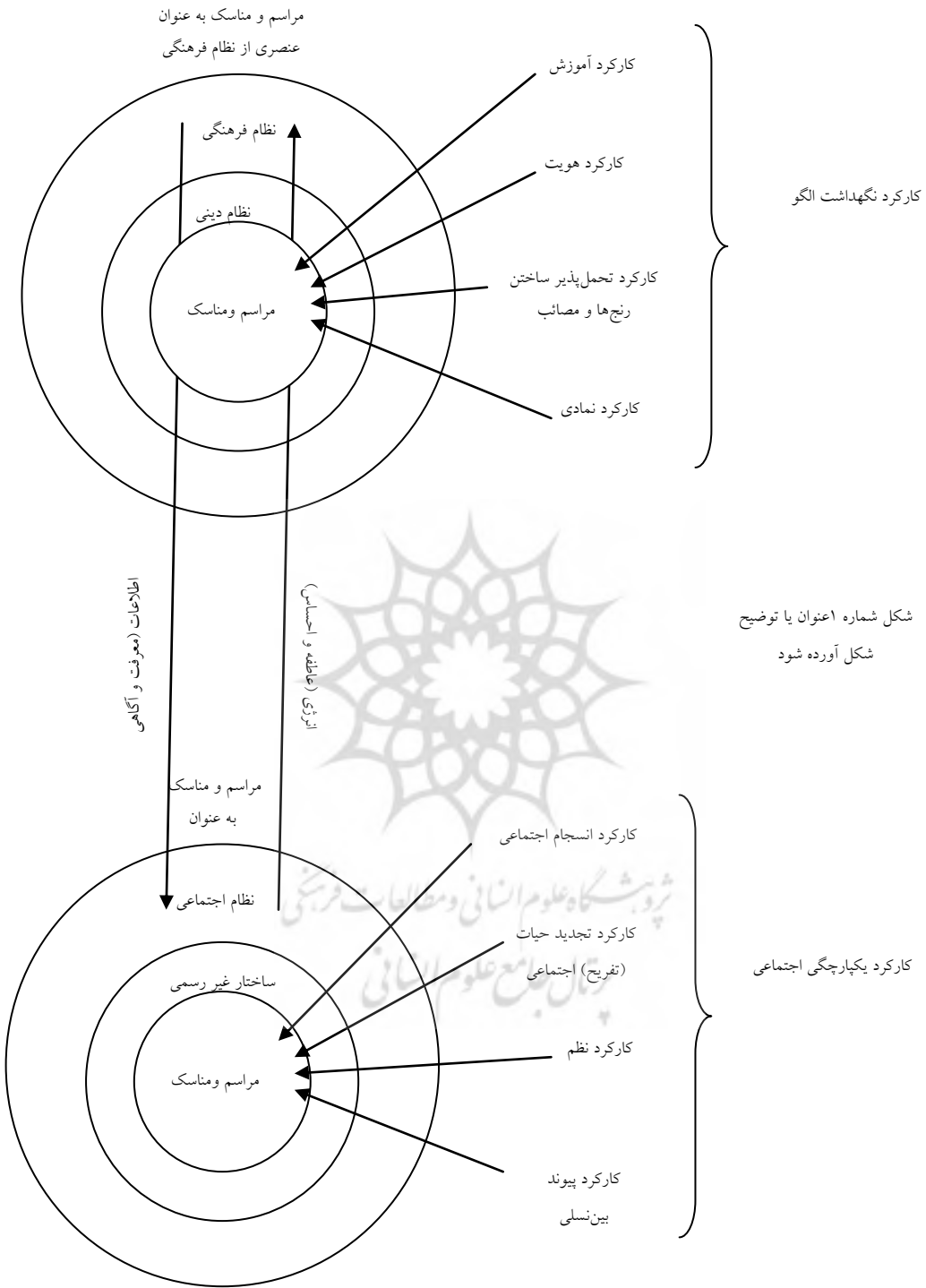
#### ۴- کارکرد پیوند بین نسلی

مراسم و مناسک - فارغ از مباحث پیوند نسلی یا گسست نسلی - محلی است که نسل‌ها بر اساس بسترهای واحد فرهنگی با وحدت رویه، صورت‌های عملی یکسان دارند و در چنین فضایی است که توافق اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۸). پیوند اجتماعی و به هم‌پیوستگی اجتماعی، به معنای راه‌ها و شیوه‌هایی است که انسان‌ها در درون خود پیوند برقرار می‌کنند و بین آن‌ها پیوستگی‌های متقابلی به لحاظ تفاهم یا خاستگاه مشترک بین نسل‌ها ایجاد می‌شود (قبادی، ۱۳۸۱، ص ۹۳). سه نهاد خانواده، دین و نظام سیاسی، موقعیت اجتماعی استقرار یافته‌ای است که سبب ارتباط، تعامل و پیوند نسل‌ها با یکدیگر می‌شوند. این سه نهاد، سطحی از پیوستگی اجتماعی و فرهنگی را (که پیش‌زمینه عمل اجتماعی است) برقرار می‌کند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۵۸) مراسم و مناسک (که بیشتر از باورهای دینی نشان‌دهنده حضور نسل‌ها در کنار یکدیگر است)، از جمله فضاهای اجتماعی است که قابلیت دارد، نه تنها نسل‌های یک عصر را در کنار یکدیگر قرار داده؛ بلکه با توجه به باورها و ارزش‌هایی که در مراسم و مناسک نهفته است، یک پیوند تاریخی را بین نسل حاضر با نسل‌های گذشته ایجاد کند. به دلیل همین پیوند نسلی و تاریخی در مراسم و مناسک است که مفهوم امت اسلامی شکل می‌گیرد. تفاهم و حضور نسل‌های متفاوت در کنار یکدیگر از گذشته‌های بسیار دور، این مسئله را تأیید می‌کند.

استمرار و بقای این سنت‌های اجتماعی، خود دلیل بر تفاهم و یگانگی و پیوند بین نسلی است. حضور نسل‌های گوناگون کنار یکدیگر سبب جامعه‌پذیری دینی می‌شود. جامعه‌پذیری دینی، به معنای فرآیند انتقال ارزش‌ها و هنجارهای دینی از نسلی به نسل دیگر است. به وسیله مراسم و مناسک فرصتی فراهم می‌شود که فرد با فراگیری گرایش‌ها، اندیشه‌ها و انگاره‌های رفتاری مورد پسند جامعه و از طریق تماس با دیگران، فرآیند جامعه‌پذیری را انجام دهد (شایان‌مهر، ۱۳۷۷، ص ۸۹). اساس نظام اجتماعی با این کارکرد حفظ شود. مراسم و مناسک، با داشتن چنین قابلیت‌هایی بخش مهمی از یکپارچگی نظام اجتماعی را تأمین می‌کند.

در مدل زیر هماهنگی و تعادل را میان نظام فرهنگی و اجتماعی و نیز گونه‌های کارکردی بیان شده، نشان داده می‌شود.







### نتیجه‌گیری

مراسم و مناسک در جامعه ما با توجه به برگزاری آنها در سراسر کشور و در تمام محله‌های شهری و روستایی و با حضور گسترده اقشار و گروه‌های گوناگون و نیز پیوندشان با ارزش‌ها و هنجارهای دینی، به گونه‌ای است که بخش مهمی از ساختارهای فرهنگی را شکل داده، بر نظام اجتماعی و شخصیتی و حتی سیاسی تأثیر دارد. از این رو، مطالعه کارکردهای گوناگون مراسم و مناسک دینی، اهمیت بسیاری دارد. آنچه که اهمیت مطالعه کارکردهای مراسم و مناسک دینی را مضاعف می‌کند، آن است که با شناخت ظرفیت‌ها و کارکردهای مراسم دینی می‌توان با برقراری تعادل و توازن میان ابعاد مختلف مراسم، مانند آمیختن عنصر آگاهی و استدلال با احساس و عاطفه، راهی برای افزایش کارایی مراسم دینی و نیز راهکاری برای کاهش آسیب‌های اجتماعی یافت.

در این تحقیق، با روش پژوهشی تحلیل کارکردی، با بهره‌گیری از نظریه کارکردگرایی به بررسی کارکردهای مراسم در دو بعد فرهنگی و اجتماعی پرداخته شد. در بعد فرهنگی، کارکردهای نمادین، آموزشی، هویتی و کارکرد افزایش تحمل‌پذیری، مطرح شد. در بعد اجتماعی، کارکردهای انسجام‌بخشی اجتماع، تجدید حیات، انتظام‌بخشی و پیوند بین نسلی، خود کارکردهای اجتماعی مراسم و مناسک مذهبی بیان شد. آنچه که در اینجا اهمیت مطالعه حاضر را نمایان‌تر می‌کند، آن است که با بازشناسی کارکردهای بالا می‌توان با تقویت محتوایی مراسم و مناسک به صورت غیر مستقیم به انسجام‌بخشی جامعه، تقویت پیوندهای بین نسلی و جامعه‌پذیری افراد جامعه کمک قابل توجهی کرد.

## فهرست منابع

- قرآن کریم
- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۷۸)، «مراسم عاشورای حسینی و وفاق فرهنگی و اجتماعی»، همایش بین‌المللی محرم و فرهنگ مردم ایران، سازمان میراث فرهنگی.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، «فرایند تغییر نسلی بررسی فراتحلیلی در ایران»، دو فصلنامه تخصصی جوانان و مناسبات نسلی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۴۱-۶۸.
- آلمانی، هانری رنه دو، (۱۳۷۸)، سفرنامه (از خراسان تا بختیاری)، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر طاووس.
- احمدی ملکی، رحمان، (۱۳۷۷)، «مفهوم رنج در مناسک و مراسم آیینی»، نشریه وقف میراث جاویدان، ش ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- اسکید مور، ویلیام (۱۳۸۵)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- افروغ، عماد (۱۳۷۸)، «نهادهای مردمی انواع و کارکرد هم‌بستگی اجتماعی»، نشریه انتخاب، ش ۱.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۱)، «نهادهای سنتی مدنی و کارکرد سیاسی»، نشریه خراسان، ش ۲ و ۱.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، «هویت شناسی مذهبی و باورهای دینی ایرانیان»، قابل دسترس در سایت فارس نیوز. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8511300076>
- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، تهران: انتشارات سخن.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۸)، میشل فوکو و انقلاب اسلامی، تهران: دانش و پژوهش ایران.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی دینی، تهران: انتشارات سخن.
- جلالی‌مقدم، مسعود، (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین و آرای جامعه‌شناسان بزرگ، تهران: مرکز.
- جمشیدیها، غلامرضا و علیرضا قبادی، (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا»، تاریخ اسلام، ش ۳۷ ص ۳۰-۶۰.
- حسین‌زاده، فهیمه، (۱۳۷۸)، «محرم و وحدت ملی»، همایش محرم و فرهنگ مردم ایران، سازمان میراث فرهنگی.
- داورینا، افشین، (۱۳۸۳)، «مناسکی با آرمان‌های واحد، روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۳/۱۲.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۲)، صور ابتدایی حیات دینی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱) لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشکده ادبیات.
- ربانی خلخالی، علی، (۱۴۱۵ق) عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، تهران: بی نا.
- ریتزر جورج، ۱۳۷۴، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- سازمان ملی جوانان معاونت مطالعات و برنامه ریزی، (۱۳۹۱)، هویت، قابل دسترس در <http://www.modiryar.com/index-management/behavior/behavior-management/2257-1388-05-11-13-05-19.html>

- سراج‌زاده، حسین(۱۳۷۹)، «اجتماع اخلاقی مسلمانان بینش جامعه‌شناختی تأثیر باورهای اسلامی بر میزان جرم»، فصلنامه پژوهش‌کنده علوم انسانی و اجتماعی، ش ۳ تهران.
- شهبازی، اسکندر، (۱۳۹۰)، «تحلیل جامعه‌شناختی مراسم و مناسک عا شورا»، قابل دسترس در: <http://www.shahbazighrvvy.blogfa.com/post/9>
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و سیدضیاء هاشمی، (۱۳۸۱)، «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتون و فستینگر»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۴۹-۱۶۷.
- طباطبایی، محمدحسین(۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: نشر بنیاد علمی و فکری.
- عبداللهی، محمد(۱۳۸۰)، «طرح مسائل اجتماعی ایران، اهداف و ضرورت»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۳۰، تهران: انتشارات کلمه.
- عسگری خانقاه، اصغر، (۱۳۷۹)، «اعیاد، مناسک و سنت‌های عام و تأثیر آنها بر وفاق و هم‌بستگی ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲ و ۳، زمستان ۷۸ و بهار ۷۹.
- فصیحی، امان الله، (۱۳۸۸)، «مقایسه روش تبیین کارکردی جامعه‌شناسان و عالمان دین در عرصه دین‌پژوهی»، دو فصلنامه علمی و تخصصی پژوهش، سال اول، ش: ۱۰۱- ص ۲-۱۳۲.
- قبادی، علیرضا(۱۳۸۱)، بررسی کارکردهای اجتماعی مراسم دینی با تأکید بر مراسم عاشورا، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما غلامرضا جمشیدیها، دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ و سید عبدالله ناصری، (۱۳۸۵)، «پژوهشی جامعه‌شناختی پیرامون کارکردها و آسیب‌های مراسم محرم»، بشری، ش ۴۳، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۹۴.
- \_\_\_\_\_ و محمدجواد شعبانی، (۱۳۸۶)، «راهبردهای پیامبر اعظم(ص) در عصر حاضر»، بشری، ش ۴۵، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۶۶-۶۹.
- کوزر، لوئیس(۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی(۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
- معین، محمد(۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی (یک جلدی)، تهران: نشر سرایش.
- میرشکرایی، محمد(۱۳۷۸)، «محرم و نشانه‌های نمادین»، همایش محرم و فرهنگ مردم ایران، سازمان میراث فرهنگی.
- واخ، یواخیم(۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی دینی، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: انتشارات سمت.
- ورجاوند، پرویز(۱۳۷۵)، «آیین‌های ملی، عامل حفظ وحدت ملی»، گزارش سال، ش ۷۳-۷۴، صص ۵۵-۶۵.
- همیلتون، ملکم(۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
- الیاده، میرجا (۱۳۷۴)، فرهنگ و دین، هیئت مترجمان، تهران: طرح نو.
- یوسفی، علی(۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی مناسک دینی»، گفتگوی جعفر سید زاده با علی یوسفی، روزنامه خراسان، ۱۳۸۴/۰۱/۲۵.